

عبدی گفته نمی‌شود که نان مبارزه با فساد را خورد و در برابر اتهامات مشابه سکوت کرد؛ داعش و طالبان کمتر از اصولگرایان تناقضات رفتاری و فکری دارند.

فعال سیاسی اصلاح طلب مطرح کرد؛



جناب فعلا غالب اصولگرایان با تعارضات فراوان مواجه شده و در توجیه این تعارضات به لکنت زبان نیز دچار شده است. رفتارهایی متعارض انجام می‌دهند که چوب هر دو را خواهند خورد ولی نان هیچ‌کدام را نمی‌خورند.

به گزارش اسپادانا خبر، عباس عبدی، فعال سیاسی اصلاح طلب در روزنامه اعتماد نوشته است:

بسیاری از تصمیمات آنان برخلاف جریان تند رودخانه است؛ به طوری که تن و روح و روان آنان را فرسوده و خسته خواهد کرد. سعی می‌کنم برخی از این تناقضات رفتاری را توضیح دهم.

- 1- ماجرای حذف عکس‌های دختران (عکس هم نیست، نقاشی است) از روی جلد کتاب ریاضیات دوره ابتدایی اتفاق عجیبی بود... این چه سیاستی است که از یک طرف دخترانش را با سهم بالاتری در دانشگاه‌ها می‌پذیرد و از سوی دیگر نقاشی آنان را از روی کتاب دبستان برمی‌دارد و جالب اینکه ورزش زنان خود را نیز تقویت می‌کند و به مدال‌آوری آنان افتخار می‌کند!
- 2- علیه فساد و ارتباطات ناسالم اقتصادی فراوان داد سخن می‌دهند ولی هنگامی که قدری پیش می‌رود و شفافیت رخ می‌دهد، فوری عقب‌نشینی می‌کنند و خودشان را متهم به «عدالت‌خواری»! می‌کنند. بعد هم که اسناد یکی از خطیبان آنان منتشر می‌شود، به جای پاسخگویی مدعی می‌شوند که منتقدین در حال تخریب و زدن سیاسی این فرد هستند. معلوم است که دنبال زدن سیاسی هستند. ولی به انگیزه منتقدین چه کار دارید؟ چرا نباید دنبال زدن سیاسی دیگران باشند؟ مهم این است که آیا حرف‌شان درست است یا نادرست؟ آیا قابل پاسخگویی هست یا خیر؟ نمی‌شود که هم نان مبارزه با فساد را خورد و هم در برابر اتهامات مشابه سکوت کرد؟
- 3- در ماجرا مبارزه با فساد دچار لکنت زبان و فقدان اعتماد به نفس هم شده‌اند که نتیجه طبیعی این تناقضات سیاسی است. واکنش‌هایی که در برابر افشاگری‌های فتاح، رییس بنیاد مستضعفان به وجود آمد و نیز عذرخواهی بعدی او، همگی حکایت از این ماجرا می‌کند که چگونه مجبور می‌شوند به جای آنکه سپر حکومت شوند، حکومت را سپر خود می‌کنند. نمونه دیگرش مقایسه باطل زندگی از راه کمک و اعانه یا هدیه دیگران است که امروز را با پیش از انقلاب مقایسه می‌کنند. پیش از انقلاب افرادی بودند که حاضر می‌شدند به کسانی کمک کنند تا آنان مبارزه کنند یا معارف دینی را علیه حکومت ترویج کنند، در حالی که امروز منطق پرداخت هدیه به افراد نزدیک به حکومت که با یک تلفن می‌توانند امتیازات فراوانی را ایجاد کنند به کلی تفاوت کرده است. ضمن اینکه زندگی کردن از طریق هدیه به کلی نادرست است و افراد را وابسته می‌کند. حتی پیش از انقلاب نیز وابستگی روحانیت به این گونه منابع و پرداخت پول از طرف افراد را نادرست می‌دانستند، چه رسد به حالا. ولی اینکه یک نفر متوجه نادرستی بیان چنین شیوه‌ای نباشد را جز با وضعیت تعارضات فکری و رفتاری اصولگرایان نمی‌توان توصیف و تحلیل کرد.
- 4- کوشش برای محدود کردن و در عمل مسدود کردن فضای مجازی نیز از عجایب است. آنان هنوز توجه نمی‌کنند که قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره در عمل متروک شد و دیگر کسی به آن نگاهی هم نمی‌کند، در حالی که ماهواره با حیات اقتصادی

مردم هیچ ارتباطی نداشت. ولی اینترنت تمامی حیات اقتصادی جامعه را دربرگرفته است و هر روز نیز به لحاظ فناوری در حال پیشرفت است. حال چگونه عده‌ای پیدا می‌شوند که تن‌های خود را در مقابله با این جریان تند، خسته و فرسوده می‌کنند؟ و جالب‌تر اینکه همزمان خودشان نیز از این فضا استفاده می‌کنند. حتی برای بیان اهداف محدودکننده‌شان!

5. اصلاح قانون انتخابات‌های گوناگون و کوشش برای محدود کردن حق انتخاب مردم، مصداق روشن سرنا را از سر گشاد زدن است. همه دنیا می‌کوشند که رضایت مردم را کسب کنند و به نوعی مشارکت عمومی را افزایش دهند، اینجا به جای تمرکز بر این رضایت می‌کوشند که مردم را از حضور موثر حذف کنند. جالب است که اگر پیشنهاد استیضاح رییس‌جمهور را بدهیم می‌گویند، نه؛ در عین حال تندترین حملات را علیه او تدارک می‌کنند. با انتخابات میانه‌ای ندارند ولی هنگامی که پیشنهاد تغییر قانون اساسی را بدهی که نهاد نخست‌وزیری احیا شود فوری جبهه گرفته و آن را رد می‌کنند.

برحسب تجربه شخصی عرض می‌کنم که درستی و نادرستی رفتار و گفتار یک گروه سیاسی را هنگامی می‌توان موضوع بحث و گفت‌وگو قرار داد که ابتدا درباره وجود انسجام نسبی آن به توافق رسید. برای نمونه داعش و طالبان افکار و اعمال‌شان از نظر ما نادرست بود، ولی کمتر دچار تناقضات رفتاری و فکری بودند. در حقیقت آنان از یک دستگاه فکری چارچوب‌دار تبعیت می‌کردند، هر چند منطبق بر واقعیات جهانی و اجتماعی نبود. ولی افکار اصولگرایان ایرانی در مرحله پیش از این ارزیابی است، زیرا چنان تناقضات عجیب و غریبی دارد که مخاطبان را از فهم چارچوب احتمالی آنان ناامید می‌کند. انشعاب‌های این جناح را در چارچوب این تناقضات می‌توان تحلیل کرد. چنین افکاری و رفتاری به‌طور قطع با شکست مواجه خواهد شد. دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد.

برچسب‌ها: [اصلاح طلبان](#) [1]

[اصولگرایان](#) [2]

[انتخابات](#) [3]

[فساد](#) [4]